

توسط موبک فرهنگی رسانه‌ای عطش صورت گرفت؛

انتشار و توزیع ۶۷ هزار جلد کتاب پیرامون اربعین حسینی

صفحه ۳

نشریه موبک فرهنگی رسانه ای عطش • شماره پنجم • دوره چهارم • شهریور ۱۴۰۳ • صفر ۱۴۴۶ • کربلای معلی



- مادرانهای مدینه در کربلا
- همه چی داشتیم... اما انگار هیچی نداشتیم
- بدون وضو وارد چایخانه امام حسین (ع) نمی شوم

اخلاق مداری شاخصه زائر اربعین

می‌گیرند. اینجا کربلاست در نزدیکی نجف، سرزمین مهر، و دیار عشق به انسان‌هایی که فداکاری کرده‌اند و بی‌دلیل نیست که جاودانه‌اند.

چون از همان اخلاق حسنه برخوردار بوده‌اند. همه یک هدفند و یک مسیر، پس دلیلی برای اخم و دل‌تنگی و نامهری نیست.

پیاده‌روی اربعین، بخشی از زندگی است و کسانی که نیامده‌اند واحدی پاس نشده در زندگی دارند. اینجا با گذران تک تک عمده‌ها به هزاران نکته نیک پی‌خواهی برد که در زندگی روزمره‌ی شهری، حسرت دیدنش را داریم.

اینجا همه با نذر آمده‌اند. نذر خوبی و دعای خیر برای دیگران، نذر خیرخواهی، نذر عاقبت‌بخیری، نذر عشق‌ورزی به وجود باری‌تعالی، همگی از خلق نیکو و اخلاق حسنه‌ای سخن می‌گویند که پیامبر عظیم‌الشان اسلام به آن اشاره داشتند. بکوشیم این ثمره‌ی نیک، عادت همیشگی زندگیمان باشد.

پیاده‌روی بزرگ اربعین را باید تجربه کرد؛ باید آمد و از نزدیک دید و لمس کرد. باید آمد و در مسیر قرار گرفت؛ این یک حرکت اخلاقی، معنوی و معرفتی است.

آنانی که آمده‌اند دیده‌اند که گوشه و کار این رویداد عظیم پدیده‌های اخلاص، نیکوکاری، رعایت احترام، کمک‌رسانی و یاریگری به مراتب می‌توان دید.

در این حرکت عمومی و معنوی، گذشته از خدمات‌رسانی اعضای خیراندیش موبک‌های ایرانی و عراقی می‌تواند جلوه‌هایی از اخلاق نیک، رفتار نیک، گفتار نیک را به گونه‌های متعددی دید.

بسیار ویلچر سوارانی که شاهد یاری زائرین همسفر هستند، بسیار پیرزنان و پیرمردانی که کوله بارشان را جوانانی به دوش می‌کشند که با پای برهنه برای اجابت حاجت آمده‌اند.

بسیار کودکانی که تحمل سختی و گرما و پیاده‌روی و آفتاب سوزان و دوری از خانه‌ی امن برایشان دشوار شده است، منتهی با روی خوش و تشویق موبک‌داران و دیگر زائران همراه توان دوباره



جرعه عطش

حسن همیشه بهار

آمادگی ارتش برای ارائه خدمات به زائران حسینی



عطش یادداشت

رامین نصیری

اربعین و بی تفاوتی ها!!

پیاده روی اربعین شگفتی‌ها و اعجازهای فراوانی دارد. پربراه نیست اگر بگوییم اربعین حسینی هم تبلور غیرت دینی و شخصی افراد است و هم غیرت الهی را به جوش آورده است تا این چنین همه چیز را جفت و جور کند تا همگان بتوانند در مسیر اربعین به بهترین حالت زائر کوی ابا عبدالله باشند. میان همه این شگفتی‌ها موضوعی که بسیار جالب توجه است این است که در این مسیر کسی بی تفاوت از کنار دیگری نمی‌گذرد. بی تفاوتی فردی را می‌توان جایی دید که افراد برای سلامتی خود، ارتباطات خود، سبک زندگی خود، تفریحات خود و غیره بی تفاوت هستند و از آن به افسردگی فردی تعبیر می‌شود. اما در جامعه‌شناسی هم گاهی شاهد بی تفاوتی‌هایی هستیم. این بی تفاوتی اجتماعی را در موضوعاتی می‌توان دید که مثلاً نسبت به هدر رفت آب در یک پارکی، یا نسبت به وقوع جرمی یا تخلفی در اجتماع و یا نسبت به وقوع یک مشکلی در جمعی و بی تفاوتی نسبت به آن می‌توان دید. در این حالت است که می‌گویند جامعه افسرده شده است. اما در پیاده روی اربعین کسی نسبت به کسی دیگر بی تفاوت نیست. مشکلی نیست که افراد از کنار آن به راحتی بگذرند. در این مسیر است که همگان تلاش دارند تا شاداب و سرحال و سرزنده همگان بتوانند به نسبت ظرفیت وجودی خود بهره‌مند گردند. نمونه‌های فراوان از این بی تفاوتی نبودن را به چشم دیدیم اما نمونه جالب آن بود که در یک مورد فردی را دیدیم که از لحاظ جسمی خسته بود و در طریق الحسین



به گزارش خبرنگار موبک فرهنگی رسانه‌های عطش، سرتیپ خلیان «مهدی هادیان» جانشین فرمانده نیروی هوایی ارتش طی گفت‌وگویی، در خصوص خدمات این نیرو به زائران اربعین حسینی گفت: به منظور خدمت‌رسانی به زائران، موبک نیروی هوایی ارتش به همراه تجهیزات بیمارستان صحرایی در مرز مهران مستقر و به صورت شبانه‌روزی خدمات ارزشمند رفاهی و پزشکی ارائه می‌کند.

سرتیپ هادیان ادامه داد: نیروی هوایی ارتش بخشی از نیازمندی‌های جایجایی تجهیزات مورد نیاز موبک‌های مستقر در مرز مهران مربوط به سایر سازمان‌ها و نهادهای مردمی و همچنین تجهیزات مورد نیاز موبک‌های مستقر در مسیر نجف تا کربلا را به عهده دارد و حمل می‌کند.

جانشین فرمانده نیروی هوایی ارتش با بیان اینکه، یک فروند هواپیمای ۷۰۷ به صورت روزانه جهت جایجایی خادمین نهادهای مردمی تعیین شده است، گفت: یکی از اقدامات ارتش در جهت خدمت به زائران حسینی، اختصاص یک فروند هواپیمای اورژانس هوایی به منظور جایجایی مصدومین و بیماران ICU از فرودگاه ایلام به سایر شهرهای کشور است.

امیر هادیان اضافه کرد: نیروی هوایی ارتش آمادگی هرگونه خدمت‌رسانی و مرتفع نمودن نیازهای قرارگاه مرکزی اربعین حسینی کشور را دارد.

فعالیت موبک هنر و رسانه در مسیر

پیاده روی اربعین



به گزارش خبرنگار موبک فرهنگی رسانه‌های عطش، موبک هنر و رسانه به عنوان محفلی برای تجمع هنرمندان آزاده‌ی جبهه‌ی مقاومت از فلسطین تا آمریکا همزمان با ایام اربعین حسینی برپا شده است.

این موبک که به همت حوزه هنری انقلاب اسلامی شکل گرفته است، در عمود ۱۳۲۰ مسیر پیاده‌روی نجف به کربلا همراه با خدمات و برنامه‌های ویژه‌ی هنری، میزبان هنرمندان، زائران و عاشقان حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام است.



قدم بر می‌داشت. میزبانان عراقی تک تک به جلو می‌آمدند و از او دعوت می‌کردند تا به خانه‌هایشان برود و شب را استراحت کند و نفسی تازه کند و بعد به زیارت ارباب برود. یکی از این دعوت‌کنندگان متوجه خستگی مفرط این زائر حسینی شد. دستش را گرفت و زیر شانه‌هایش را گرفت و به سمت ماشین خود برد و جرثه آبی به او داد. با همان حالت خسته و با زبان و لحنی جذاب سعی داشت تا بگوید که در این مسیر از دوستان خود جا مانده است و می‌خواهد تا به آنان برسد که با هم باشند. میزبان عراقی سعی دارد تا به او کمک کند. متوجه منظور او می‌شود و او را سوار ماشین خود می‌کند و از کنار جاده آرام آرام او را به جلو می‌برد تا به دوستان خود برسد.

یا در نمونه‌ای دیگر تعدادی از زوار نشسته بودن داخل موبکی و استراحتی کوتاه داشتند. یکی از آنها پاهایشان تاول زده بود. جملگی افراد در کنار او سعی کردند که تاول‌های او را بهبود دهند. یا یکی دیگر از زوار با خانواده آمده بود و در کنارش کودکی هم در کالسکه بود، سایر زوار سعی داشتند هر کدام با دادن شکلاتی یا اسباب‌بازی کوچکی و بازی کردن با او این کودک را سرگرم کنند و خاطرهای خوش برایش بسازند. خلاصه اینکه در این مسیر بی تفاوتی شما نمی‌بینید. همه افراد با نیتی خالصانه به دنبال گمشده زندگی خود هستند و این گمشده آن‌ها عشق به ابا عبدالله الحسین است. در این مسیر هر کسی به صورت فردی درست است که در حال پیاده روی است اما این حرکت جمعی باید تحلیل شود و باید بدانیم که پیاده‌روی جمعی افراد جوری است که در این مسیر همدلی و یکدستگی و همبستگی است که موج می‌زند.



سعدالله شمس الدینی مسئول کارگروه نشر و ترجمه موبک عطش:

انتشار و توزیع ۶۷ هزار جلد کتاب پیرامون اربعین حسینی



حسین شهابی / حجت الاسلام والمسلمین
سعدالله شمس الدینی مسوول کارگروه نشر و ترجمه موبک فرهنگی رسانه ای عطش در گفتگویی اظهار داشت: کتاب از حسین (ع) شامل (چهل حدیث نورانی از حضرت سیدالشهدا) و کتاب همایش جهانی (منظومه فکری، علمی، معرفتی و سیاسی امام خاتمه ای) به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی به همت جمعی از پژوهشگران و مترجمین پژوهشگاه امام صادق(ع) و دانشگاه شهید باهنر کرمان گردآوری، ترجمه و در مجموع در ۶۷ هزار جلد چاپ و منتشر شده است.
در مقدمه این کتاب آمده است:
اربعین رسانه بزرگ شیعی است، رسانه ای به

فعالان فرهنگی و رسانه ای ایران اسلامی فعالیت خود را در کربلای معلی آغاز کرده است. این موبک مصمم است همه ابزارهای رسانه ای و دیداری و شنیداری در این مسیر نورانی به خدمت گیرد و خدمات خود را در گام اول به موبکها که خالصانه قدم در مسیر خدمت به زوار حسینی نهادهاند و در گام بعدی روایتگر این حماسه عظیم برای همه دلدادگان سرور و سالار آزادگان عالم باشد.
گفتنی است این دو کتاب در ایام اربعین حسینی در بین مواکب ایرانی و عراقی و در مسیر نجف به کربلا و شهر کربلا توزیع شد.
کتاب از حسین (ع) شامل (چهل حدیث نورانی از حضرت سیدالشهدا) و کتاب همایش جهانی (منظومه فکری، علمی، معرفتی و سیاسی امام خاتمه ای) به ضمیمه نامه ای خطاب به موبک داران عراقی به زبان عربی به آنها اهدا شده است.
متن نامه اهدای کتاب های عطش به موبک داران عراقی به این شرح است:

وسعت همه دوستداران نهضت عاشورا و کربلای حسینی، اربعین مقدمه و موقعیتی است برای آماده شدن منتظران موعود عدالت گستر.
در اربعین اوج ایثار و فداکاری عاشقان سیدالشهدا پدیدار می گردد، لحظه لحظه های این حرکت عظیم و جهانشمول دارای قصه و روایتی بی همتاست.
اربعین سرشار از شور و شوق و حماسه است، لحظات پیاده روی اربعین هرکدام می تواند روایتگر و راهنمای یک زندگی الهی و معنوی باشد.
با این نگاه، موبک فرهنگی رسانه ای عطش می خواهد با تحریریه ای به وسعت همه دوستداران حسینی و صاحبان قلم، بیان و رسانه در جغرافیای آزادگان عالم، سهم هر چند کوچکی در پیام رسانی حماسه بی نظیر پیاده روی اربعین حسینی داشته باشد. موبک فرهنگی رسانه ای عطش از سال ۱۴۰۲ هجری شمسی با محوریت جمعی از اهالی رسانه و خیرین شهرستان سیرجان استان کرمان و حمایت و هدایت بی دریغ سایر

الی مدیر الموبک الایخ العزیز الموقر

السلام علیکم

بعد التّجیات، اعلنکم فخرانه قد اقیم موبک عطش الثقافی والاعلامی بجهود جمع من المثقفین والاعلامیین الایرانیین فی اربعین عام ۱۴۴۵ للهجره بهدف استخدام الإمکانیة العظیمة الموجودة فی زیارة الاربعین فی سبیل توحید الامة الاسلامیة خاصة توحید شیعة الامام الحسین علیه السلام مستوحیا من تراث اللواء الشهید الحاج قاسم سلیمانی والشهید ابو مهدی المهندس.

وفی هذا الاطار قمنا باعداد واصدار کتابین بعنوان «من الحسین علیه السلام» والذی یشمل علی ۴۰ حدیثا من اقوال ابی الاحرار ابی عبد الله الحسین علیه السلام والآخر بعنوان «المؤتمر العالمی» والذی یشمل علی خطاب للامام الخامنئی عن عظمة زیارة الاربعین وكذلك خطابه فی اللقاء التکریمی لاصحاب المواکب الحسینیة العراقیة.

وتم اصدار هذین کتابیین المرفقین بالرسالة باللغات العربیة والفارسیة والانجلیزیة أملین الاستفادة منها واستخدامها بالطریقة الملائمة ومنه توزیعها ونشرها بین زوار الاربعین من مختلف الجنسیات.

وفی الختام نجدد التّجیات وخالص التقدير والشکر لکم مرة اخرى لحسن الضیافة والاستضافة الخاصة من زوار الحسین علیه السلام خاصة الاخوة والاخوات الایرانیین

اخوکم

المدير التنفیذی وامين مجلس ائمة

موبک عطش الثقافی الاعلامی الاربعین الحسینی

۱۴۴۶ للهجره

مدیر موبک برادر عزیز و بزرگوار

سلام علیکم

با احترام و آرزوی توفیق الهی، ضمن سپاس و قدردانی از میزبانی خالصانه و صمیمانه شما بزرگوار از زائرین حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به استحضار می رساند «موبک فرهنگی رسانه ای عطش» به همت جمعی از اهالی فرهنگ و رسانه ایرانی با الهام از نام و یاد سردار دلها شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس در ایام اربعین حسینی سال ۱۴۴۵ هجری قمری با هدف ترویج و نشر حماسه عظیم پیاده روی اربعین حسینی به عنوان یک ظرفیت بی نظیر جهت وحدت بین امت اسلامی بویژه شیعیان حضرت ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) راه اندازی شده است.

دو کتاب موجود پیوست این نامه تحت عنوان های از حسین علیه السلام شامل ۴۰ حدیث نورانی از سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و همایش جهانی شامل سخنان امام خاتمه ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی در فضیلت زیارت اربعین و هم چنین سخنان ایشان در جمع مواکب عراقی در اندازه کم حجم و کوچک جهت هرگونه استفاده و بهره برداری تقدیم تان می گردد.

از آنجایی که هر دو کتاب به صورت سه زبانه (عربی، فارسی و انگلیسی) می باشد می تواند هدیه مناسبی برای تقدیم به همه زائران حسینی با ملیت های مختلف باشد.

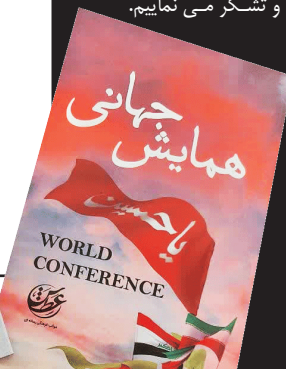
مجددا از حسن مهمان نوازی شما بزرگواران از همه زائران حسینی، بویژه برادران و خواهران ایرانی تان صمیمانه قدردانی و تشکر می نمایم.

برادر شما

مدیر اجرایی و هیات ائمة

موبک فرهنگی رسانه ای عطش

اربعین حسینی ۱۴۴۶ هجری قمری





سدنا دختر خدمتگذار زائران اربعین



دخترک در حالی که لیوان‌های خالی را به زوار تعارف کرد، سعی داشت شربت‌های لیمو عمانی را که درست روی پیشخوان موبکب قرار داشت به زوار نشان دهد و به آنها بقبولاند که این شربت خنک و خوشمزه است.

زبان فارسی گفت: سدنا نذر دارد. آفتاب و گرما اذیتش نمی‌کند چون می‌خواهد به امام حسین (ع) خدمت کند.

از اینکه متوجه فارسی صحبت کردن پدرش شدم خوشحال شدم و از او سوال کردم: سدنا چند ساعت در روز در موبکب کمک می‌دهد؟ و مرد ادامه داد: دخترم تمام زمان فعالیت موبکب اینجاست و کمک می‌کند.

از او پرسیدم می‌توانم بپرسم نذر دخترتان چیست؟ و پدرش ادامه داد: زمانی سدنا به دنیا آمد، بیمار شد و مادرش نذر کرد هر سال اربعین اینجا به زائران شربت بدهد. سدنا سلامتی را به‌دست آورد اما مادرش یک سال بعد از دنیا رفت.

چشمانم ناخواسته به سمت دخترک چرخید، او معصومانه و آرام نذر مادری را ادا می‌کرد که برای سلامتی دخترش با حسین معامله کرده بود و حالا خودش در کنار سدنا نبود.

نمی‌دانم مادر سدنا چه معامله‌ای با حسین (ع) کرده بود که اکنون جایش در کنار دخترش در اربعین و محل ادا کردن نذر خالی است.

دخترک همچنان غرق در تلاش برای پخش کردن لیوان‌ها بین زائران بود و من در حالی که به دست‌های کوچک و چشم‌های زیبا و نافذش نگاه می‌کردم از آنها دور شدم.

داغ تابستان عراق، بر پشت لیوان خبر از خنک بودن شربت می‌دادند.

لیوان را به سمت دهانم بردم و اندکی شربت را مزه کردم. عطر زیبای لیمو مرا به نوشیدن ادامه شربت دعوت کرد و اندکی بعد با نوشیدن شربتی خنک، تمام وجودم از آرامش پر شد.

دخترک همانطور که سعی در پخش کردن لیوان‌ها بین زائران می‌کرد، نگاه زیرکانه‌ای هم به من می‌انداخت. برای اینکه توجه دختر را جلب کنم لیوان را مجدد به سمت مرد داخل موبکب گرفتم و اندکی بعد لیوان پر از شربت لیمو عمانی عراقی بود. اینبار یک نفس و یه جا شربت را نوشیدم و بر حسین و لب‌های تشنه‌اش سلام دادم.

دختر نگاهم کرد و لبخندی زیبا چهره کوچکش و ظریفش را پوشاند. تصمیم گرفتم شکسته و بسته با دخترک صحبت کنم برای همین به او نزدیک تر شدم و صورتش را نوازش کردم و با اشاره پرسیدم: هوای گرم تو را اذیت نمی‌کند؟ و دخترک سرش را به نشانه اینکه نه اذیت نمی‌شوم تکان داد.

همینطور که سعی می‌کردم با برخی کلمات که بلد بودم با دخترک ارتباط برقرار کنم، خودم را به دختر معرفی کردم و به او فهماندم که خبرنگارم.

مردی که شربت را در لیوان‌ها می‌ریخت حواسش به ارتباط من و دخترک بود و با لهجه عربی به

نجمه حسینی / «سدنا» دختری حدود ۸ ساله در حالی که عبایه‌ای (چادر عربی) به‌سر داشت، جلوی موبکبی در محل گذر عزاداران اربعین ایستاده بود و سعی می‌کرد با خدمتگذاری به زائران از دیگر موبکب‌ها پیشی بگیرد.

دخترک در حالی که لیوان‌های خالی را به زوار تعارف کرد، سعی داشت شربت‌های لیمو عمانی را که درست روی پیشخوان موبکب قرار داشت به زوار نشان دهد و به آنها بقبولاند که این شربت خنک و خوشمزه است.

سدنا که در لغت به معنای خدمتگذار خانه خداست حالا اینجا در ایام موسوم به اربعین خدمت زائران حسینی (ع) را طوقی زیبا کرده و به گردن جانس آویخته است.

دستش را به سمت دراز کرد، به چشم‌های ملتشمس خیره شدم. نگاه نافذی داشت آنطور که تا عمق جانم فرو رفت و توانستم تقاضایش را رد کنم با آنکه تا آن لحظه شربت لیمو عمانی نخورده بودم اما به رسم ادب لیوان را از دخترک گرفتم و از او پرسیدم: ماسمک؟ و دخترک با صدای ظریف جواب داد: سدنا.

لیوان را به سمت پیشخوان موبکب بردم. مردی که آنجا ایستاده بود لیوان را از شربت سیاه رنگ لیمو عمانی پر کرد. چندی بعد قطره‌های شبنم در هوای



زائران آقا امام حسین به کربلا بیایم. من آشپزم و ۱۲ روز اول محرم در هیئت مسلم بن عقیل علیه‌السلام سیرجان آشپزی می‌کنم. محرم سال ۱۴۰۱ بود که به مادر شهیدان مستقیمی گفتم که بزرگترین آرزویم این است که به کربلا بروم و به عشق آقایم، به زائرانش خدمت کنم. حاج خانم مرا به این موکب معرفی کرد و من الان ۳ سال است که در اینجا خدمتگزاری می‌کنم.

نذر کرده‌ام تمام مدت با وضو باشم

صبح‌ها یک ساعت قبل از اذان بیدار می‌شویم، کتری‌ها را با آب معدنی پر می‌کنیم و چای و دمنوش‌ها را دم می‌کنیم. نذر کرده‌ام تمام مدت با وضو باشم به دوستانم هم گفته‌ام بدون وضو وارد چایخانه امام حسین علیه‌السلام نشوید.

با اینکه ۶ فرزند دارم که ۲ تا هنوز ازدواج نکرده‌اند اما بچه‌ها هم به علاقه‌ی من احترام می‌گذارند و برای آمدنم به کربلا اعتراض نمی‌کنند. از ۲۳ مرداد تا ۶ شهریور اینجا هستیم.

خادم امام رضا (ع) هم هستم

هر سال ۱۵ روز در ایام آخر ماه صفر همراه همین موکب به مشهدالرضا می‌رویم و در آنجا هم به زائران امام رضا علیه‌السلام خدمت‌رسانی می‌کنیم.

صحبت پایانی

از آنجا که خیلی کسانی بوده‌اند که دلشان می‌خواسته به کربلا بیایند ولی من انتخاب شدم؛ بنابراین باید با تمام وجود و از دل و جان در اینجا خدمت کنم و شرعا مسئول هستم، زیرا برای آمدن من به اینجا هزینه شده است.

بدون وضو وارد چایخانه امام حسین (ع) نمی‌شوم

سراغ او رفتم که مشروح آن‌را در ادامه می‌خوانید:

با ۴ نیرو موکب را اداره می‌کنیم

ما ۴ نفر هستیم که ثابت در چایخانه کار می‌کنیم اما موقع صبحانه و عصرها دو، سه خانم دیگه هم به ما کمک می‌کنند. به جز چای، بابونه، آویشن، به‌لیمو و گل‌گاوزبان هم داریم.

افتخار خادمی زائران آقا را از مادر شهید دارم

خیلی دلم می‌خواست برای خدمت کردن به

فریبا مهدی‌پور / هر بار که به چایخانه موکب صاحب‌الزمان (عج)، مستقر در مسیر پیاده‌روی زائران اربعین حسینی می‌روم بانویی را می‌بینم که با صبر و حوصله چای می‌ریزد و درخواست‌های زائران را پاسخ می‌دهد. یکی چای می‌خواهد و دیگری دمنوش و او با خوش‌رویی لیوان‌های را پر می‌کند. او سرکار خانم «صغری خواجویی» مسئول چایخانه موکب صاحب‌الزمان (عج) سیرجان است که برای انجام گپ‌وگفتی صمیمی به



مدیر موسسه منتظران منجی شهر ری خبرداد:

۲۲ غرفه فرهنگی در مسیر پیاده روی اربعین



«مجتبی نوری» مدیر غرفه شماره ۱۴ موسسه منتظران منجی شهری، مستقر در مسیر پیاده‌روی زائران حسینی در کربلای معلی با بیان اینکه تاکنون ۱۰ جلد کتاب کودک و نوجوان و ۴ کتاب ویژه پدر و مادرها به ۲ زبان فارسی و انگلیسی منتشر کرده‌ایم، گفت: امسال ۲۲ غرفه با معرفی آثار شاخص از جمله آثار استاد «محمد شجاعی» مربوط به این موسسه، در نقاط مختلف شهرهای نجف و کربلا ایجاد کرده‌ایم.

براساس این گزارش، مقرر شد همکاری‌های فرهنگی فی‌مابین این موسسه با موکب رسانه‌ای عطش در آینده نزدیک انجام پذیرد.

زهره احسن دانش آموز دبستانی:

الگویم در زندگی، حضرت رقیه است



زهره خانم دختری ۹ ساله و دانش آموز چهارم دبستانی است اهل قم که به اتفاق پدر و مادر و خواهرش برای ششمین سال متوالی در پیاده روی اربعین شرکت می‌کند او مشتاقانه از همکلاسی‌هایش می‌خواهد که به همراه پدر و مادرشان در ایام اربعین به نجف و کربلا بیایند.

می‌خواهم به امام حسین بگم که من راه بچه هاتون را ادامه دهم.

کودکان اربعینی



بب

این کودکان اربعین تربیت یافته

مکتب حسینی‌اند؛

در این مکتب رنگ پوست

افراد، زبان و گویش‌ها،

فرهنگ‌ها

و ملت‌ها و غیره

اهمیتی ندارد و این کودکان یاد

گرفته‌اند که تنها

حب‌الحسین است که

دل‌ها و جان‌ها را کنار هم جمع

کرده است.

در این مکتب است که کودکان

اربعینی یاد می‌گیرند که به

احترام مراسم اربعین،

سختی‌ها و مشقت‌های

هفتگی و ماهانه را تحمل کنند

و هیچ‌خم به ابرو نیاورده و

اتفاقاً کاملاً با خوشرویی تمام

از همه می‌همانان و زائران

اباعبدالله استقبال کنند.

بب

باعث شوند. این کودکان اربعین تربیت یافته مکتب حسینی‌اند؛ در این مکتب رنگ پوست افراد، زبان و گویش‌ها، فرهنگ‌ها و ملت‌ها و غیره اهمیتی ندارد و این کودکان یاد گرفته‌اند که تنها حب‌الحسین است که دل‌ها و جان‌ها را کنار هم جمع کرده است.

در این مکتب است که کودکان اربعینی یاد می‌گیرند که به احترام مراسم اربعین، سختی‌ها و مشقت‌های هفتگی و ماهانه را تحمل کنند و هیچ‌خم به ابرو نیاورده و اتفاقاً کاملاً با خوشرویی تمام از همه می‌همانان و زائران اباعبدالله استقبال کنند.

امتداد فرهنگ اربعینی توسط این فرزندان عراقی نوید بخش برگزاری هر چه با شکوه‌تر مراسم اربعین در سال‌های آتی خواهد بود.

موضوعی که قطعاً و قطعاً توسط بسیاری از معاندین و منافقین در مقابل دنبال می‌شود تا شور و حرارت اربعین و زیارت حسینی را تحت الشعاع خود قرار داده و سبب کاهش رونق آن شوند اما مطمئناً به حول و قوه الهی فرزندان که ساخته و پرداخته دستگاه اباعبدالله حسینی هستند به مصداق حدیث «ان لقتل الحسین حرارتا فی قلوب المؤمنین لا تبردا ابدا» هیچگاه شور و حرارت حسینی را اجازه نخواهند داد که کاهش یابد و یا از بین برود بلکه روز به روز اتفاقاً پر رونق‌تر و بابرکت‌تر خواهد شد.

رامین نصیری/قدم قدم عاشقان و رهروان حسینی در طریق الحسین به سمت قبه الحسین حرکت می‌کنند و هر کسی به دنبال گمشده زندگی خود می‌گردد. گمشده‌ای که فقط در این مسیر برایش ممکن است پیدا شود. در این میان کودکان اربعینی هم به مانند سایرین در این مسیر هم به صورت زائر الحسین و هم به صورت خادم الحسین حضور فعال دارند.

زیست اربعینی کودکان اربعین بار تربیتی غنی دارد که منجر به رشد شخصیتی پر ثمرایشان شده است. در راه که قدم بزنید ناخودآگاه این پسران و دختران کم سن و سال نظر شما را جلب می‌کند. بچه‌هایی که سختی‌های مسیر را تحمل کرده‌اند و پا به پای بزرگ ترها در این مسیر قدم می‌زنند و تبدیل به سفیران اربعین حسینی شده‌اند که ماموریت انتقال پیام و سنت اربعین از نسلی به نسل دیگر را دارند.

بیشتر از بچه‌هایی که پای پیاده همراه خانواده خود در این مسیر قدم گذاشته‌اند نظرها را به سمت خود جلب می‌کنند، بچه‌هایی هستند که خادم الحسین‌اند و همراه بزرگ ترها مشغول خدمات‌رسانی در مواکب اربعینی هستند. این کودکان با قلبی مهربان و با نیتی خالصانه و مخلصانه فرهنگ اربعینی را زندگی می‌کنند و قرار است تا دوام و قوام برگزاری مراسم بزرگ اربعینی را



مادرانه‌های مدینه در کربلا

قول خودش همیشه چشم به راه آمدن نشانی از اوست.

حالا مدینه در کربلا در حاشیه مسیر عبور زوار می‌نشیند و با فلاکس دمنوش‌ها خستگی از تن زائرانی که شبیه فرزندش دلداه اباعبدالله حسین و ابوالفضل العباس علیه‌السلام هستند، می‌زداید. مدینه معتقد است، هرگز از رهسپار کردن فرزندم به جبهه‌ی سوریه پشیمان نبوده و نیستم و این شهادت و این غم بزرگ را برای خودم و خانواده‌ام در دنیا و آخرت افتخاری بزرگ می‌دانم و به آن می‌بالم.

حالا مدینه با مادرانه‌هایش نه تنها آرامش به زائران تعارف می‌کند بلکه دل خود را در این کره خاکی و روح فرزندش را در آنسوی ملکوت به آرامش می‌رساند.

با انبوهی از فکر از مدینه خداحافظی کردم در راه در حالی که افراد را که هر کدام با شور و حرارتی خاص و هر یک با نیتی قدم در راه زیارت امام حسین علیه‌السلام و حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام گذارده بودند می‌نگریستم به این فکر می‌کردم که چند نفر دیگر مانند مدینه امروز اینجا در کربلای معلی حضور دارند و اینگونه دردهایشان را تسکین می‌دهند.

قطعا از این دست مادرانه‌ها، شما را هم در اربعین‌هایی که راهی کربلا بوده‌اید مورد عنایت قرار داده و نه شما و نه هیچ‌کس دیگر تا قیامت از نیت دلشان خبر نشده و نشود.



کربلا می‌آیم و برای جوانانی که مانند فرزندم هستند و به عشق حسین و حضرت ابوالفضل العباس علیه‌السلام به این مکان می‌آیند با دم کردن دمنوش، مادری کنم و خستگی از تن‌شان به در بیاورم. گونه‌های گر گرفته مدینه، زن گندم‌گون افغان حکایت نه تنها از گرمای نزدیک ۵۰ درجه کربلا دارد که حاکی از تن پر از درد و دل تنگ مادری‌ست که سال‌هاست در حسرت دیدار جگرگوشه‌اش غم و ناله‌اش را اشک باریده است.

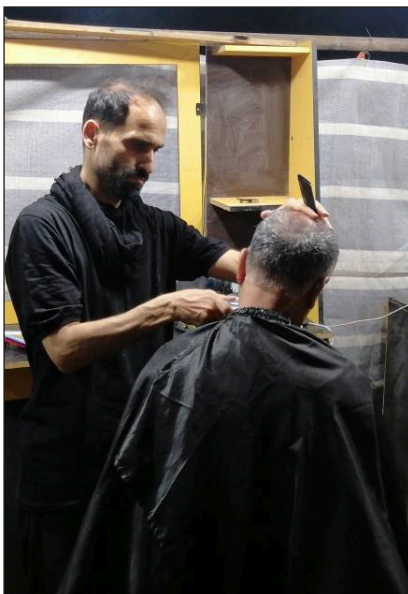
غصه بیشتر مدینه این است که حتی گوشه‌ای از لباس یا پیکر فرزندش را نیاورده‌اند و او به

نجمه حسینی/نماش مدینه است، زنی افغان که سال‌ها قبل فرزندش را در سوریه فدایی حضرت زینب (س) کرده و حالا اینجا در کربلا با فراهم آوردن دمنوش‌های گیاهی سعی دارد به جای فرزندش برای جوانان، مادرانه‌هایش را نغمه سرایی کند.

به گزارش خبرنگار موبک فرهنگی رسانه‌های عطش، زن افغان که فرزندش از شهدای لشکر فاطمیون است می‌گوید، قبل از شهادت فرزندم اربعین با یکدیگر به کربلا می‌آمدیم اما حالا تنها و با دلی مملو از درد به نیابت فرزندم و به یاد حضرت علی اکبر و قاسم علیه‌السلام به

پیرایشگر حرفه‌ای در مسیر مشایه اربعین:

همه چی داشته... اما انگار هیچی نداشته



آن‌طور که خودش تعریف می‌کند از آن دسته آدم‌هایی بوده است که می‌گویند پولی که برای اباعبدالله الحسین (ع) خرج می‌شود را بهتر است به فقرا بدهند. اما حرف‌های او بعد از آنکه برای آقا خرج کرده، شنیدنی است: از وقتی پرچم سیدالشهداء علیه‌السلام را به‌دست گرفتیم هم برای هیات‌مان هزینه می‌کنیم و هم اینکه دو، سه برابر آن را به فقیر و فقرا کمک می‌کنیم. او با بیان اینکه اگر فردی در شیراز خواهد از من برای خدمات آرایشگری وقت بگیرد، یکی، دو هفته‌ای طول می‌کشد تا نوبتش برسد، می‌گوید: در زمان برگزاری اربعین در موبک می‌ایستم و لذت می‌برم از اینکه زوار ژولیده و خسته را اصلاح می‌کنم و تر و تمیز پیش آقا می‌روند و این برایم بالارزش است.

این آرایشگر عنوان می‌کند: کسی که زیر پرچم امام حسین علیه‌السلام به خواسته‌هایش می‌رسد برای خداوند است.

حکمت قاسم‌خانی / مهسا حقانیت/ ولی عیزاده» ۳۰ سال از ۴۸ سالی که از خدا عمر گرفته را آرایشگر بوده است؛ حالا برای خودش در شیراز برو و بیایی دارد و ۷ هزار نفر را آموزش داده است.

افرادی که می‌خواهند از خدمات آرایشگری او بهره ببرند، معمولا باید یک تا دو هفته در نوبت بمانند. او اما از ۷ سال قبل در ایام منتهی به اربعین حسینی راهی مشایه می‌شود تا همراه با تعدادی از آرایشگران زیارت‌اولی به زوار پیاده آقا ابی‌عبدالله الحسین علیه‌السلام خدمت کند و آنها را با سر و روی شسته و رفته راهی حرم‌ها کند. عیزاده می‌گوید: اکیپ آرایشگران زیارت‌اولی را به مسیر نجف به کربلا می‌آورم تا کارشان را با برکت کنند، زیرا خودم از وقتی پرچم امام حسین علیه‌السلام را به‌دست گرفتم، فهمیدم زندگی چیست و قبل از آن نمی‌دانستم و هرچند همه‌چی داشتم، اما انگار هیچی نداشتم.



قاب یادگار موب فرهنگي رسانه اي عطش (ربيع ۱۴۰۳)

